



یزید پس از واقعه کربلا در صدد نابودی و شهادت ائمه معصوم (ع) از جمله امام سجاد (ع) بود که پس از سال‌ها ایشان را به شهادت رساند. پس از واقعه‌ی کربلا، یزید تصمیم گرفت امام سجاد (ع) را نیز از میان بردارد. به همین دلیل در ملاقات‌هایی که در کاخ خود با او و سایر اسراء داشت، منتظر بود از او حرفی بشنود که بهانه‌ای برای قتلش باشد. یک روز امام را به کاخ خود فرا خواند و از او سوالی پرسید. امام در حالی که تسبیح کوچکی را در دستش می‌گرداند، به او پاسخ داد. یزید گفت: «چگونه جرأت می‌کنی موقع حرف زدن با من تسبیح بگردانی؟»

امام فرمود: « پدرم از قول جدم فرمود هر کس بعد از نماز صبح، بی‌اینکه با کسی سخن بگوید، تسبیح در دست بگیرد و بگوید: «اللهم انی اصبحت و اسبحک و امجدک و احمدک و اهللک بعدد ما اذیر به سبحتی» سپس تسبیح در دست، هر چه می‌خواهد بگوید، تا وقتی به بستر می‌رود، برایش ثواب ذکر گفتن منظور می‌شود. پس هر گاه به بستر رفت، باز همین دعا را بخواند و تسبیح را زیر بالش خود بگذارد، تا موقع برخاستن از خواب نیز برای او ثواب ذکر خدا منظور می‌شود. من هم به جدم اقتدا می‌کنم.»

یزید گفت: « با هیچ کدام از شماها سخنی نگفتم، مگر اینکه جواب درستی به من می‌دهید.» پس به او هدایایی داد و دستور داد امام را آزاد کنند.

در روایت دیگری نیز چینی آمده است: بعد از خطبه‌ی حضرت زینب (س) که سبب رسوایی یزید شد، او از شامیان نظر خواست که «با این اسیران چه کنم؟» شامیان در پاسخ گفتند: «آنها را از دم شمشیر بگذران.»

یکی از انصار به نام «لقمان بن بشیر» گفت: «بین اگر رسول خدا (ص) بود با آنان چه می‌کرد؛ تو نیز همان طور رفتار کن.» امام باقر علیه السلام نیز که در مجلس حضور داشت، سخنان قاطعی گفت که یزید را از قتل اسراء منصرف کرد. یزید سر بر زیر انداخت و سپس دستور داد آنان را از مجلس بیرون ببرند.

در روایتی نیز امام سجاد(ع) به «منهال» فرمودند: «هیچ بار نشد که یزید ما را احضار کند و ما گمان نکنیم که می‌خواهد ما را بکشد.» به هر حال با توجه به شواهد متعدد تاریخی، یزید بارها تصمیم قطعی به قتل امام سجاد و همراهان ایشان داشته ولی خداوند هر بار آنها را نجات داده است. [۱]

#### • زمان شهادت امام سجاد علیه السلام

همان طور که در روز تولد حضرت زین العابدین(ع) در بین مورّخین اختلاف است، در روز و سال شهادت او نیز اختلاف وجود دارد. دامنه این اختلاف از سال ۹۲ هجری تا سال ۱۰۰ هجری است، اما آنچه از همه مشهورتر است، یکی سال ۹۴ هجری است که آن را به مناسبت ارتحال فقهای بیشماری از اهل مدینه، «سنه الفقهاء» نامیده‌اند و دیگری سال ۹۵ هجری. «حسین» فرزند امام علی بن الحسین علیه السلام وفات پدر خود را در سال ۹۴ اعلام کرده است و بر این اساس بزرگانی نظیر شیخ مفید و شیخ طوسی و محقق اربلی و ابن اثیر نیز همین نظر را داشته‌اند.

اما براساس روایتی که ابوبصیر از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است، امام فرموده است: حضرت علی بن الحسین علیه السلام در حالی که ۵۷ ساله بودند از دنیا رفت و این واقعه در سال ۹۵ هجری اتفاق افتاد.

## نحوه شهادت امام سجاد(ع) پس از واقعه کربلا/دلیل دیدارهای مکرر یزید با کاروان اسراء چه بود؟

• **آخرین شب زندگانی حضرت:** امام صادق (ع) فرمودند: حضرت امام سجاد(ع) در شب شهادتش به فرزندش، امام محمد باقر، فرمود: «پسرم، برایم آب بیاور تا وضو بگیرم.»  
امام محمد باقر برخاست و ظرفی آب آورد.

امام سجاد فرمودند: «این آب برای وضو شایسته نیست، چرا که در آن حیوانی مرده افتاده.»  
امام باقر چراغی آورد و دید موشی مرده در آن افتاده است. از این رو ظرف آب دیگری برای ایشان برد.  
امام سجاد فرمود: «پسرم! این همان شبی است که به من وعده داده‌اند.»  
سپس سفارش کرد به شترش که بارها با آن به حج مشرف شده بود، خوب رسیدگی کنند و غذا بدهند. [۲]

### • شهادت امام سجاد:

روز شهادت امام سجاد نیز ۱۸، ۲۲ و ۲۵ محرم نقل شده که روز ۲۵ از شهرت بیشتری برخوردار است.

بنابراین روایات، امام سجاد علیه السلام ۵۷ یا ۵۸ سال عمر فرمود که:

دو سال آن را در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)، ده سال را در زمان امامت عموی خود حضرت امام حسن مجتبی(ع) و ده سال را در دوران امامت پدر خود سپری فرموده است و مدت امامت خود آن امام بزرگوار نیز ۳۵ سال بوده است. [۳]

### • محل دفن امام سجاد علیه السلام

حضرت زین العابدین علیه السلام پس از تشییع باشکوه مردم مدینه، در بقیع که قبور بسیاری از اولیاء خداوند، همسران پیامبر، فاطمه بنت اسد و بسیاری از صحابه گرانقدر پیامبر و تعدادی از شهدای صدر اسلام در آن قرار دارد، در کنار مرقد مطهر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، عموی بزرگوارش، مدفون گردید.

در این قطعه از بقیع عباس، عموی پیامبر، نیز دفن شده بود و بعداً حضرت امام صادق و حضرت امام باقر نیز مدفون گردیدند. این بخش دارای قبه و بارگاه بوده ولی اکنون به دست وهابیون تخریب شده است. [۴]

### • قاتل امام سجاد علیه السلام

حضرت علی بن الحسین علیه السلام در زمان خلافت ولید بن عبدالملک به شهادت رسید.

بنا به گفته عمر بن عبدالعزیز، ولید که حاکم جبار و ظالمی بود، زمین را از جور و ستم لبریز کرده بود. در دوره حکومت او، رفتار مروانیان و کارگزاران آنها با دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بنی هاشم و به خصوص امام سجاد علیه السلام بسیار ظالمانه و بی‌رحمانه بود.

والی مدینه - هشام بن اسماعیل - گرچه از زمان عبدالملک بن مروان مسئول اداره شهر مدینه بود، ولی در دوران ولید رفتار ظالمانه ای با حضرت زین العابدین علیه السلام در پیش گرفت و هنگامی که به دلیل بدرفتاری زیاد با مردم مدینه از منصب خود عزل شد، او را در کنار منزل مروان نگه داشتند تا مردم از او تقاضا بگیرند. او خود معترف بود که از کسی جز علی بن الحسین(ع) بیم ندارد، اما هنگامی که امام با جمعی از اصحاب خود از کنار او عبور کردند، هیچ یک به او متعرض نشدند و از او شکایتی نکردند. این جا بود که هشام فریاد زد: «الله اعلم حیث يجعل رسالته» (خدا می‌داند رسالت خود را در کدام خاندان قرار دهد).

و در روایت دیگری، امام برای او پیغام داد که اگر از نظر مادی در تنگنا هستی، ما تأمینت می‌کنیم.

## نحوه شهادت امام سجاد (ع) پس از واقعه کربلا/ دلیل دیدارهای مکرر یزید با کاروان اسراء چه بود؟

مورخین درباره قاتل امام با هم اختلاف دارند. بعضی معتقدند امام به دست ولید مسموم شد، و برخی دیگر معتقدند به دست هشام بن عبدالملک، که برادر خلیفه بود؛ اما به هر حال، او نیز نمی توانست بدون اجازه ولید، مرتکب قتل امام شود. [۵]

### مردم مدینه و اندوه شهادت امام سجاد علیه السلام

خبر شهادت حضرت زین العابدین علیه السلام که با عملکرد انسانی و الهی خود، همگان را مجذوب خود کرده و با مجاهدت سی و پنج ساله خود، تصویری منور و متعالی از امامت در ذهن جامعه اسلامی ترسیم کرده بود، به سرعت در شهر پیچید و همه برای تشییع جنازه او حاضر شدند.

سعید بن مسیب چنین روایت می کند: «وقتی امام به شهادت رسید، همه ی مردم، از نیکوکاران گرفته تا بدکاران، برای تشییع جنازه اش حاضر شدند. همه زبان به ستایش او گشوده بودند و سیل اشک از دیدگان همگان جاری بود. در تشییع جنازه ی امام همه مردم شرکت کرده بودند و حتی یک نفر در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله باقی نمانده بود.» [۶]

حضرت زین العابدین علیه السلام شتری داشت که بر اساس بعضی از روایات بیست و دو بار با او به حج رفته بود، اما در تمامی این مدت حتی یک ضربه تازیانه هم به او نزده بود. امام در شب شهادت خود سفارش کرد به این شتر رسیدگی شود. وقتی امام به شهادت رسید، شتر یکسره به سوی قبر مطهر امام رفت، در حالی که هرگز قبر امام را ندیده بود. خود را به روی قبر انداخت و گردن خود را بر آن می زد و اشک از چشم هایش جاری شده بود.

خبر به حضرت امام باقر علیه السلام رسید.

امام کنار قبر پدر رفت و به شتر گفت: «آرام باش. بلند شو. خدا تو را مبارک گرداند.»

شتر بلند شد و برگشت ولی پس از اندکی باز به قبر برگشت و کارهای قبل را تکرار کرد.

امام باقر باز آمد و او را آرام کرد ولی بار سوم فرمود: «او را رها کنید! او می داند که از دنیا خواهد رفت.»

سه روز نگذشت که شتر از دنیا رفت. [۷]

پی نوشت ها:

[۱]. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۰ و ۱۳۵

[۲]. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۸، حدیث ۴

[۳]. بحار الانوار، ص ۱۵۱، حدیث ۱۰ (به نقل از کشف الغمه) و ص ۱۵۲ الی ۱۵۴، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶۸، حدیث ۶

[۴]. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱، حدیث ۱۰

[۵]. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۲، حدیث ۱۲ و ص ۱۵۳ و ۱۵۴

[۶]. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۰

[۷]. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷ و ۱۴۸، حدیث ۲ و ۳ و ۴ به نقل از بصائر الدرجات و اختصاص و اصول کافی ج ۱، ص

۴۶۷، حدیث ۲ و ۳

<https://www.balagh.ir>

منبع:

**تهیه و تنظیم: روابط عمومی اداره کل هواشناسی استان سمنان**